

تعریف حال :

اسمی که هیئت و چگونگی صاحب خود را بیان می کند و غالباً مشتق می باشد و غالباً در جواب : **در چه حالی ؟**، **چگونه ؟** و **به چه کیفیتی ؟** می آید؛ یعنی سؤال از هیئت ذو الحال .

انواع حال :

- ۱ . حال مفرد که لفظاً منصوب می شود؛ مانند : **وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِباً (مُغَاضِباً** حال است از فاعل **ذَهَبَ** یعنی **هُوَ** مستتر).
- ۲ . حال جمله که محلاً منصوب است؛ مانند : **وَ لَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْبِرُ**؛ **(تَسْتَكْبِرُ** جمله ی فعلیه بوده و حال واقع شده و محلاً منصوب است).